

Illustrated linguistic heritage on potteries of 6 and 7 centuries (A.H.)

Mahin Sohrabi Nassirabadi, Ph.D

Assistant Professor, Sohrabi_n@yahoo.com

Ghazal Heidari

M.A. Candidate of Traditional Arts , Alzahra University

Abstract:

The relationship between literature, art, and operational objects and in this way with the users is the subject that in some crafts like pottery which are so operational could be seen.

These objects, as a documentary without any distortion could transfer the science, culture, and historical information. They are also recognized as examples of written and lingual heritage. The pottery of 6 and 7 centuries A.H. especially the luster wares have some motifs derived from the literature of that time, for example the story of »Leila and Majnoun «,and »Bahram gour and Azadeh «,and pottery's inscriptions, so it's important to study them in the aspect of art and literature.

The Persian poetries that were written on these potteries included Quatrain, Ode, etc.

They were written with different kinds of lines and subjects like epic, social, critical, romantic, mandatory and mystical. These poetries were written by famous or anonymous poets of that time and drew by potters.

The literature was progressed during that time and the outbreak of Sufism in society and the mass production pottery with Persian poetry was popular, therefore these inscriptions are available as intact documents that had no alteration of written manuscripts, so they can be used for understanding the nature of language of that time.

This descriptive research with this hypothesis and by following the meaning and the value of aesthetics of inscriptions with different subjects in static society of pottery with inscription is analyzing the literary features and changes in those centuries. Finally it finds the different aspects and changes in different kinds of literature, literary approaches, and literary changes in method and taste.

Keywords: Potteries of 6 and 7 centuries A.H., Literature, Lingual Heritage, Inscription.

Seasonal Journal of
Studies of Cultural Heritage
Documents
ISSN: 2538-1644
Vol. 1, No.2, Spring 2017

میراث زبانی مصور در سفالینه‌های قرون ششم و هفتم هجری

مهین سهرابی نصیرآبادی

استادیار دانشگاه الزهرا

poetry_of_being@yahoo.com

غزل حیدری

دانشجوی کارشناسی صنایع دستی، دانشگاه الزهرا

poetry_of_being@yahoo.com

پذیرش: ۹۵/۰۱/۲۳

دریافت: ۹۵/۱۰/۱۶

چکیده

ارتباط ادبیات با آثار هنری و اشیاء کاربردی و از آن طریق با جامعه کاربر، موضوعی است که در پاره‌ای از آثار، از جمله سفالینه‌ها - که اشیایی بسیار کاربردی اند - نمود یافته است. این آثار به طور مستند و بدون تحریف ابزار انتقال دانش، فرهنگ و اطلاعات تاریخی اند و می‌توان آن‌ها را نمونه‌ای از میراث خطی و زبانی محسوب کرد. سفالینه‌های قرون شش و هفتم هجری قمری، بالاخص ظروف زرین‌فام، به سبب داشتن نقوشی برگرفته از ادبیات زمانه خویش همچون داستان «لیلی و مجنون» و «بهرام گور و آزاده» و کتیبه‌هایی با مضمون شعر، به لحاظ هنری و ادبی در خور بررسی و مطالعه هستند. اشعار فارسی مندرج در این سفالینه‌ها شامل انواع مختلف شعر مانند رباعی، غزل، ملامع، و... است که با خطوط گوناگون و مضامین مختلف حماسی، اجتماعی، انتقادی، عشقی، حکمی و عرفانی نگاشته شده اند. این اشعار توسط شاعران مشهور یا گمنام آن دوران سروده شده و توسط سفالگران بر سفالینه‌ها نقش بسته اند. در دوران یادشده ادبیات پیشرفت چشمگیری داشته و تصوف در میان تمامی افراد جامعه رشد روزافزون داشته و تولید انبوه سفالینه‌های منقوش به کتیبه‌های شعر رواج داشته است. از این رو در کتیبه‌های این آثار تغییر و تحریف ناشی از کتابت وجود ندارد و این کتیبه‌ها به مثابه اسناد دست‌نخورده، محل جستجوی ماهیت زبان [و ادبیات] آن دوران خواهند بود. پژوهش توصیفی حاضر با طرح این فرضیه از طریق دنبال کردن معانی و مفاهیم و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه کتیبه‌هایی با مضامین مختلف (در جامعه آماری ظروف سفالین کتیبه‌دار)، ویژگی‌ها و تحولات ادبی قرون ششم و هفتم هجری را بررسی کرده و در نهایت به جنبه‌های متفاوت و تغییرات شیوه‌های ادبی و تغییر سبک و ذائقه ادبی آن عصر پی برده است.

کلیدواژه: سفالینه‌های قرون ششم و هفتم هجری قمری، ادبیات، میراث زبانی، کتیبه.

مقدمه

در تاریخ هنر ایران، همواره ارتباط تنگاتنگی میان ادبیات و هنر [های تجسمی] و بالاخص نقاشی وجود داشته است. اگر اشیا کاربردی را - همان‌گونه که برخی هنرمندان انگاشته اند - بوم نقاشی بدانیم، «ظروف» که بیش‌ترین ارتباط را با کاربر خویش دارند، می‌توانند بستری برای انتقال دانش و فرهنگ و اطلاعات باشند. این آثار مستند و بدون تحریف این کار را انجام می‌دهند و با توجه به حضور ادبیات در بیش‌تر کتیبه‌های تزئینی، نمونه‌ای از میراث خطی و زبانی هستند. در این نوشتار با تکیه بر این فرض، چند نمونه از جامعه آماری سفالینه‌های کتیبه‌دار قرن شش و هفتم هجری بررسی شده است تا در روشی توصیفی، شواهد و ملاک‌هایی از میراث خطی و زبانی آن دوره به دست آید.

کتیبه‌نگاری بر آثار هنری و صنایع دستی به عنوان عنصر تزئینی در ایران پس از اسلام قدمتی دیرینه دارد. این کتیبه‌ها که به صورت گسترده و متنوع در آثار معماری، فلزکاری، نساجی، و بالاخص سفالینه‌ها نقش بسته اند، گنجینه‌ای غنی برای شناخت میراث خطی و زبانی محسوب می‌شوند که از دید بسیاری از پژوهشگران دور مانده اند.

کتیبه‌های منقوش بر سفالینه‌های قرون اولیه اسلامی به زبان عربی و خط کوفی اند و مضمون‌شان آیات و احادیث و عبارات دعایی برای صاحب ظرف است. مشهورترین این ظروف، ظروف نیشابور متعلق به قرن سوم و چهارم هجری است. اولین سفال مزین به شعر فارسی نیز متعلق به قرن چهارم هجری است و از نیشابور به دست آمده است. این شعر مضمونش دعا برای صاحب است و به خط نسخ نگاشته شده است:

«نگهدار بادا جهان آفرین به هر جا که باشد خداوند این»

(قوچانی، ۱۳۷۱: ۳۱).

این بیت شعر در سده‌های ششم و هفتم و هشتم هجری بر صدها کاشی و سفال دیگر نیز آمده است. ظهور شعر فارسی بر سفالینه‌ها متأثر از عوامل متعددی بوده است. یکی از مهم‌ترین علل آن جایگزینی تدریجی زبان فارسی با زبان عربی است که در قرون اولیه پس از اسلام زبان رسمی و علمی ایران محسوب می‌شد.

پایه‌های زبان فارسی که از اواسط قرن سوم تا قرن پنجم هجری به وسیله شاعران و نویسندگان بزرگ ماوراءالنهر، خراسان و سیستان در شعر و نثر پی‌ریزی شده بود، به سبب فتوحات گسترده غزنویان و سپس سلجوقیان از ماوراءالنهر تا سواحل مدیترانه و از کناره‌های

دجله تا آن سوی رود سند و پنجاب گسترش و رسمیت یافت و زبان عربی را در مقام تنها زبان جوامع فرهیخته و ادبی خاورمیانه از صحنه راند (بازورث و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲).

نهضت ساخت مدارس متعدد که از قرن چهارم هجری آغاز شده بود و با ساخت نظامیه‌های متعدد توسط «خواجه نظام‌الملک»، وزیر توانای سلجوقیان بالاترین سطح آموزش علوم مختلف، خصوصاً علوم مذهبی، ادبی و... را در قرون پنجم و ششم هجری شکل داد، عالمان و شاعران بسیاری را پروراند که از آن جمله می‌توان به امام محمد غزالی، خطیب شیرازی، الابیوردی، وطواط، صدرالدین خجندی، انوری، سعدی، جامی، و بسیاری دیگر اشاره کرد.

از اوایل قرن پنجم هجری علما و دانشمندانی نظیر ابوریحان و ابن سینا به تألیف کتب علمی به زبان فارسی پرداختند و این امر سبب گسترش دایره ادب فارسی شد (صفا، ۱۳۶۷: ۳۲۶).

از دیگر علل رشد فرهنگی، علمی، ادبی، هنری، علاقه سلاطین و وزراء و امراء و رجال ثروتمند به شاعران و هنرمندان و حمایت و جلب آنان در دستگاه‌های حکومتی خود بود. بسیاری از سلاطین و امراء خود نیز دستی در شعر و ادب داشتند و از هم‌نشینی با شاعران لذت می‌بردند و با آن‌ها روزگار می‌گذراندند. بنا بر این حمایت دستگاه‌های حکومتی سبب تشویق عموم مردم به تحصیل علم و ادب و هنر شد.

از اوایل قرن پنجم هجری شعر و نثر پارسی به خانقاه‌ها که محل اجتماع صوفیان بود و هم‌چنین به آثار صوفیه رسوخ کرد. مفاهیم صوفیانه به زبان ساده‌ای که برای همگان قابل فهم باشد به شکل شعر مطرح شد و در میان توده مردم راه یافت. از آن جا که بسیاری از افراد جامعه جذب حلقه‌های تصوف شدند، شعر به زبان مشترکی برای مطرح کردن مسائل مختلف بدل شد و سبک‌های ادبی مختلف به وجود آمد و مضامین مختلفی در شعر مطرح شد.

قرن پنجم تا هفتم هجری از جمله دوره‌های نادر در زمینه ترویج و رشد زبان و ادب فارسی محسوب می‌شود و سبک شعر فارسی در این دوره از همه‌نظر در سیر تکاملی و مقرون به تنوع و تحول است (همان، ۳۳۵).

از دیگر ویژگی‌های سده‌های چهارم تا هفتم هجری در ایران گسترش و اعتلای صنعت و بازرگانی در شهرهاست (نیک‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در این دوره هنرهای صنایعی چون نساجی، فلزکاری و سفالگری در زمینه مهارت فنی به اوج رسیدند، بالاخص هنر سفالگری سلجوقی. دوره سلجوقی عصر زرین سفالگری اسلامی محسوب می‌شود. علت پیشرفت سفالگری در این دوره ابداع نوعی بدنه جدید معروف به «خمیر سنگی»^۱ است که از پودر کوارتز (خاک سفید و نرمی که در اطراف کاشان یافت می‌شد) و پتاس ساخته می‌شد و پس از پخت بدنه‌ای

مرغوب، نازک، مستحکم و یکنواخت به دست می‌داد که به علت هم‌جنس بودن با لعاب امکان اصلاح پرداخت فنی تولیدات را ممکن می‌کرد و سبب ابداع تکنیک‌های مینایی^۲ و نقاشی زیر لعاب و همچنین ارتقای سبک زرین‌فام^۳ شد. رواج سفالینه‌های تاریخ‌دار و امضاشده توسط سفالگر نشانگر شأن اجتماعی بالای سفالگر و وضع درخشان سفالگری این دوره است. پیشرفت ادبی، تکامل یافتن فنون سفالگری و گسترش تصوف در میان تمام افراد جامعه، موجب پیدایش نقوشی ملهم از ادبیات و اشعار مختلف بر روی سفالینه‌ها شد. «خصلت تکراری بودن نقوش و نوشته‌ها و فقدان واقعی اهدانامه به اشخاص خاص، نشان می‌دهد که سفال‌ها جز در معدودی از موارد استثنایی، طبق سفارش ویژه حامیان بلندپایه ساخته نشده‌اند، بلکه فراورده‌هایی تجاری و متکی به یک بازار طبقه متوسط بوده‌اند» (واتسون، ۱۳۹۰: ۱۱).

بررسی نمونه‌ها

تعداد کثیر سفالینه‌های کتیبه‌دار یافت‌شده در سراسر ایران نشان‌دهنده استفاده روزمره از این ظروف است که خود معرف آشنایی سفالگران و کاربران با ادبیات زمانه خویش و روحیه اخلاقی و سلیقه طبقه متوسط جامعه آن روزگار است. چنان‌که چهره‌نگاری پیکره‌های منقوش بر سفالینه‌ها با صورت‌های گرد همچون قرص ماه و اعضای ظریف صورت و گیسوان بلند از معیارهای قدیمی زیبایی زن در ایران و نشانگر زیبایی‌شناسی آن دوره است و این ویژگی‌ها در توصیف «یار» در اشعار فارسی به فراوانی یافت می‌شوند.

برخی نقوش سفالینه‌ها نیز برگرفته از داستان‌ها و اشعار فارسی‌اند. به طور مثال تصویر ۱ متعلق به بشقاب زرین‌فامی است که در «مجموعه دیوید»^۴ نگهداری می‌شود و به «منظر مکتب‌خانه» مشهور است. نقش این بشقاب با دقت و مهارت خاصی ترسیم شده است. این تصویر «در وسط ملای ترکیه به‌دستی را نشان می‌دهد که شاگردان مکتبش دور او حلقه زده‌اند، این شاگردان لوحه‌هایی به دست دارند که روی آن‌ها ترکیبات ساده حروف نوشته شده است. درست بالای سر ملای نشسته، دو تن از شاگردان، صورت خود را به طرف یکدیگر برگردانده‌اند که [برخی] حدس می‌زنند این صحنه شاید اولین ملاقات لیلی و مجنون در مکتب‌خانه را به تصویر کشیده است. این دو همان عشاقی‌اند که معروف‌ترین روایت عشق غم‌انگیز آن‌ها را نظامی به سال ۵۸۵ به نظم درآورده است. شاید بتوان گفت این بشقاب بلافاصله بعد از آن ساخته شده است» (همان، ۵۵).



تصویر ۱. بشقاب زرین فام منظر مکتب‌خانه از قرن ششم هجری در مجموعه دیوید (مأخذ: www.davidmus.dk).



تصویر ۲. کاسه مینایی با نقش بهرام گور و آزاده در موزه متروپلیتن (مأخذ: www.metmuseum.org).

نمونه دیگر (تصویر ۲) کاسه مینایی منقوش به داستان «بهرام گور و آزاده» است که در «موزه متروپولیتن»^۵ نگهداری می‌شود. در تصویرسازی این اثر تلاش شده تا داستان به صورت خلاصه-شده نشان داده شود، بنابراین آزاده هم نقش بر زمین و هم سوار بر شتر تصویر شده است. لباس آزاده سوار بر شتر با لباس آزاده افتاده بر زمین متفاوت است و تیر هم در کمان دست بهرام دیده می‌شود و هم گوش و پای آهو را به هم دوخته است.

سرآغاز پیدایش داستان‌های منظوم عشقی و تمثیلی را از ابتدای دوره سلجوقیان و از منظومه مشهور ویس و رامین سروده فخرالدین اسعد گرگانی دانسته‌اند. منظومه‌های متعددی در این دوره نوشته شده و حضور این داستان‌ها بر سفالینه‌ها نشان از آشنایی افراد جامعه با ادبیات زمانه خویش و ارتقای سلیقه ادبی آن‌ها دارد.

ظهور اشعار فارسی بر سفالینه‌های دوره سلجوقیان، همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، ریشه در قرن چهارم هجری دارد اما استفاده از اشعار فارسی در قرن چهارم و پنجم هجری بسیار محدود بوده است. در اواخر قرن پنجم هجری تزیین کوزه‌ها و قمقمه‌ها و سایر ظروف مخصوص نگهداری آب با یک بیت شعر با مضمونی مرتبط با آب معمول شد:

«آب خوش تر هزار باره ز می و من الماء کل شیء حی».

این بیت مطلع قصیده‌ای از «عطاء رازی» معروف به «ناکوک» است که در سال ۴۷۱ق در گذشته است. او به روایت متون قدیم، پس از اظهار ندامت از شرب خمر این قصیده را سروده است (قوچانی، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۲).

با گسترش زبان و ادب فارسی، تصوف و رواج تکنیک‌های نوین سفالگری، بالاخص لعاب زرین‌فام در قرن ششم هجری، نگارش کتیبه‌های شعر فارسی به مرور پررنگ‌تر شد و اشعار مفاهیم جدی‌تری یافتند.

خاندان «ابوطاهر کاشانی» که در قرون ششم و هفتم و هشتم هجری به ساخت سفال و کاشی در کاشان مشغول بودند برای تزیین کاشی و سفالینه‌ها از اشعار فارسی و گاه عربی بهره می‌جستند. کتیبه‌های شعر که اغلب رباعیات فارسی بودند در معیار شناسایی آثار «سبک کاشان»^۶ که نقطه اوج سفالینه‌های زرین‌فام محسوب می‌شود و از تاریخ ۵۹۵ تا ۱۶عق (حمله مغول) تاریخ‌گذاری شده است، هستند. اشعار فارسی در سبک کاشان سهم بیش‌تری از تزیینات را به خود اختصاص داده‌اند و غالباً در دواير متحدالمرکز نقش‌مایه اصلی را احاطه کرده و با خط «نسخ شکسته» با لعاب روی ظرف نوشته شده یا بر لعاب ظرف خراشیده شده‌اند.

بنابراین قسمت اعظم اشعاری که بر سفال‌ها نوشته شده «رباعی» است ولی از انواع دیگر شعر فارسی، مانند غزل، ملمع، شکوئیات، و قطعه و از اشعار فردوسی (مثنوی) نیز استفاده شده است. قوچانی موفق به خواندن ۶۰۰ رباعی، غزل و انواع دیگر شعر بر کاشی و سفال شده است، اما از آن جا که سفالگران به معنای رباعیات و اشعار توجه داشته اند، برای ذکر نام شاعران ضرورتی حس نکرده اند. «اشعار فارسی روی این سفال‌ها و کاشی‌ها متعلق به شاعران نامدار و بعضاً گمنام فارسی‌زبان است. تا به حال اشعار حدود ۱۰۰ شاعر که شعرشان روی کاشی و سفال نوشته شده، شناسایی شده است. از جمله شاعرانی که اشعاری از آن‌ها روی کاشی و سفال آمده است می‌توان از بابا افضل کاشانی (با بیش‌ترین تعداد رباعیات)، عمر خیام، مولوی، انوری، فردوسی، سنائی، جمال‌الدین عبدالرزاق، و کمال‌الدین اصفهانی نام برد» (قوچانی، ۱۳۷۳: ۳۲).

مضامین این اشعار حماسی، اجتماعی، انتقادی، عاشقانه، عارفانه، و حکیمانه است و با خطوطی چون «نسخ شکسته و تعلیق» بر سفالینه‌ها نقش بسته و این امر موجب حفظ اشعار اصیل فارسی تا به امروز شده اند. اشعار منقوش بر سفالینه‌ها به علت عدم تحریف از آن دوره تا به امروز قابل مقایسه با اشعار نسخ خطی و چاپی اند. یکی از این نسخه‌ها کتاب *نزهة المجالس فی الاشعار* است که مجموعه‌ای است با بیش از ۴۰۰۰ رباعی، سروده حدود ۳۰۰ شاعر ایرانی از قرن پنجم تا هفتم هجری و توسط «جمال‌الدین خلیل شروانی» گردآوری شده است. همچنین با توجه به این که قسمت اعظم سفالینه‌ها تاریخ ساخت مشخص دارند، می‌توان بر اساس آن‌ها به بررسی صحت انتساب اشعاری که در دیوان شاعران مختلف آمده، پرداخت.

به طور مثال تصویر ۳ بشقاب زرین‌فامی است که در اوایل قرن هفتم هجری در کاشان ساخته شده و امروزه در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. بر حاشیه این بشقاب بیت اول این رباعی نوشته شده است:

«شاد است هر آن که با غم یار بساخت مقصود بیافت هر که با کار بساخت
مه نور بدان گرفت کز شب نرمید گل بوی از آن یافت که با خار بساخت».

این رباعی هم منسوب به «مولانا» است و هم منسوب به «صدرالدین خجندی». اما از آنجا که مولانا در سال ۶۰۴ هجری متولد شده و این رباعی بر بشقاب زرین‌فام دیگری به تاریخ ۵۹۰ هجری نیز نگاشته شده است، این رباعی نمی‌تواند سروده مولانا باشد. این در حالی است که صدرالدین خجندی متوفی به سال ۵۲۳ هجری است و می‌توان انتساب رباعی به وی را درست پنداشت.



تصویر ۳. بشقاب زرین فام کاشان از اوایل قرن هفتم هجری در موزه متروپولیتن نیویورک (مأخذ: www.metmuseum.org).

رباعی منقوش بر این بشقاب و اکثر رباعیات منقوش بر سفالینه‌ها عاشقانه اند و از دوری و فراق و ظلم و جور معشوق و زیبایی او حکایت دارند. به طور کلی «صدها رباعی را می‌توان دید که همگی دربارهٔ یک مضمونی واحد، یعنی عشق رنج‌آور سروده شده اند» (واتسون، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

رباعی به علت کوتاهی و سادگی، قالب مناسبی برای بداهه‌گویی و بیان جذبه و وجد و الهام عارفان بوده است. همچنین به علت سهولت در میان مردم دهان به دهان می‌گشته و موضوعات مختلفی را شامل می‌شده است. پیش‌تر آمد که با توجه به رواج تصوف در میان تمامی افراد جامعه و آشنایی سفالگران با مفاهیم عرفانی، تمام نقوش و اشعار منقوش بر سفالینه‌ها تمثیلی، و درخور تعبیری صوفیانه اند. عشق و سرمستی انسان در تصوف، مظهری از عشق الهی و سرخوشی معنوی است و هجران عاشق و آزار وی (موضوع عمدهٔ رباعیات منقوش بر سفالینه‌ها) تمثیلی از هجران عرفانی از الوهیت محسوب می‌شود.

تصویر ۴ متعلق به بشقاب زرین فامی است که در سال ۶۰۷ هجری ساخته شده و به لحاظ نقش و شعر و اهدانامه استثنایی است. عده‌ای نقش روی این بشقاب را اولین دیدار خسرو از شیرین دانسته اند. اما از آن جا که شیرین در شمایل‌نگاری ایرانی نمی‌توانسته کاملاً عریان باشد، برخی محققان

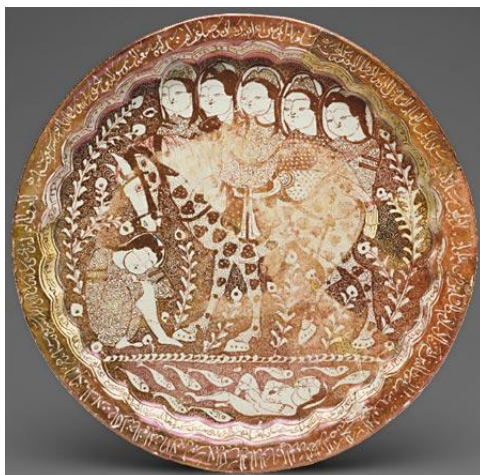
تفسیری عارفانه از نقوش این بشقاب به دست داده اند. گست^۷ و اتینگهاوزن^۸ ماهی در آب را به منزله وحدت عارف با خدا و استغراق وی در رحمت بی‌پایان الهی و زن را مظهر زمینی جمال الهی دانسته اند، اسب و همراهان، نماد دل‌بستگی‌های خاکی اند و جوان در آرامش و جستجوی عارفانه خود آن‌ها را طرد می‌کند (همان، ۱۱۹).

روی این بشقاب و پشت آن اشعار بسیاری نوشته شده است که یکی از این اشعار «ملمعی» منسوب به مولانا است. اما با توجه به این که مولانا در زمان ساخت این اثر ۳ ساله بوده، این انتساب نادرست است. متن کامل ملمع روی چند ظرف دیگر که در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شده نیز آمده است:

| | |
|-----------------------------|-------------------------|
| «ای ظریف جهان سلام علیک | ان دائی و صحتی بین یدیک |
| داروی درد بنده چیست بگو | قبله لو رزقت من شفتیک |
| گر به یک روز صید خود را گفت | قم صحیها هناک ذاک علیک |
| از تو آیم بر تو هم به فغان | آه و المستغاث منک الیک» |

(قوچانی، ۱۳۷۳: ۳۵).

کتیبه روی بشقاب نشان می‌دهد که این ظرف به امیر گمنامی اهدا شده است و از آن جایی که این ظرف جزو معدود ظروف زرین‌فام دارای اهدانامه است و به فرد خاصی از جامعه تعلق داشته، به جای قالب رایج رباعی، از قالب ملمع که شعر «دیوانی» محسوب می‌شود و مضامینی برگرفته از آیات، احادیث، امثال و اشعار عربی، اصطلاحات، و دانش‌های گوناگون دارد، در تزئین بشقاب استفاده شده است.



تصویر ۴. بشقاب زرین‌فام کاشان متعلق به سال ۶۰۷ هجری در فریر گالری^۹ (مأخذ: www.asia.si.edu).

سفالینه‌های زرین‌فام سبک کاشان به مثابه اوراق دفتر شعر، در برگیرنده اشعار مختلفی بر درون و بیرون خود هستند. تصویر ۵ کاسه زرین‌فامی با نقش غزال از اوایل قرن هفتم هجری است. بر حاشیه کاسه دو رباعی تراشیده شده است:

«دل در سر زلفت همه گمراهی دید دل در عمر ز هجران تو کوتاهی دید
جانم ز غمت تنگ نفس باز آید بشتاب اگرم زنده همی خواهی دید»

همواره تو را دولت و عز افزون باد اقبال تو بگذشته ز حد بیرون باد
تا هرچه از این کاسه به کام تو رسد ای صدر جهان تو را به جان افزون باد»
(قوچانی، ۱۳۶۶: ۳۶).

رباعی اول عاشقانه و رباعی دوم دعایی برای صاحب اثر است. رباعی دوم بر بسیاری از ظروف این دوره نقش شده و با تغییر کلمه کاسه به طاس، قدح، سیو، طبق، جام، صراحی و خروس^{۱۰} تناسب با کاربرد اثر را برقرار ساخته اند. علاوه بر این در چهار قسمت درون ظرف یک رباعی از «جمال‌الدین اشهری»، یک عبارت دعایی و امضای سفالگر نقش شده است:

«رنگ از رخ تو لاله نعمان گیرد/ طوطی ز دو لعلت *

شکر انبان گیرد// ماه شب چهارده ز رشک رخ تو *

انگشت حسد در سر دندان گیرد/ برکه لصاحبه *

کاتبه محمد بن محمد النیشابوری للمقیم بقاشان» (نگارنده).



تصویر ۵. کاسه زرین‌فام کاشان متعلق به اوایل قرن هفتم هجری در موزه ویکتوریا و آلبرت^{۱۱} لندن (مأخذ: Collection.vam.ac.uk).

چنانکه ملاحظه می‌شود مصرع‌ها پشت هم نیامده‌اند، بلکه چهار مصرع به همراه عبارت دعایی «برکه لصاحبه» [که بر بسیاری از ظروف کاشان قابل مشاهده است] در سه سطر و امضای سفالگر در سطر چهارم آمده است. جمال‌الدین اشهری از شاعران بزرگ اواخر قرن ششم هجری بوده است. توصیفات به‌کاررفته در این رباعی با اصول زیبایی‌شناسی پیکره‌های منقوش بر سفالینه‌های این دوره که صورت‌هایی چون قرص ماه داشتند، تطابق دارد.

تصویر ۶ نیز کاسه زرین‌فام دیگری از اوایل قرن هفتم هجری است که دارای تزیینات گیاهی و کتیبه‌نگاری است. همچون نمونه قبل در حاشیه کاسه دو رباعی با مضمون عاشقانه، بدون فاصله و پشت سر هم خراشیده شده است:

«در عالم عشق غم ز شادی کم نیست
هر چند درازست بیابان بلا

شادان نبود هر که به غم خرم نیست
دیدم که به پای عشق گامی هم نیست

دانی که چراست ای پسندیده من
می‌بگشاید ز آرزوی لب تو

پر اشک دو دیده ستم دیده من
آب از دهن مردمک دیده من»

(قوچانی، ۱۳۶۶: ۳۴).

رباعی دوم هم منسوب به شیخ «مجدالدین بغدادی» است و هم منسوب به «رضی‌الدین نیشابوری» که هر دو از شاعران همان دوره بوده‌اند. در ادامه این دو رباعی تکبیتی آمده که همان اولین شعر فارسی منقوش بر سفال بود:

«نگه‌دار بادا جهان‌آفرین
به هر جا که باشد خداوند این»

(همان، ۳۴).

در چهار قسمت داخل کاسه یک رباعی و یک بیت که هر دو مضمون حکمی دارند نوشته شده است:

«از کبر سرت بر آسمان می‌ساید
ما را سر تو چو دیده در سر باید

زان بر سر تو موی همی برناید
بر دیده اگر موی نروید شاید

نگه کردن اندر همه کارها
به از در [و گوهر] به خروارها»

(همان، ۳۴).

رباعی منسوب به «اتسز خوارزمشاه» مؤسس سلسله خوارزمشاهیان و دربارهٔ دبیر او «رشیدالدین وطواط» است و تکبیت منسوب به «ابوشکور بلخی» است که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است.



تصویر ۶. کاسهٔ زرین‌فام کاشان متعلق به اوایل قرن هفتم هجری در «مجموعهٔ ریموند آدس» در لندن (مأخذ: واتسون، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

نمونهٔ دیگر (تصویر ۷) بشقاب زرین‌فام با نقش شاهزاده‌ای سوار بر اسب در حال بازی چوگان است که در سال ۴۰۴ هجری ساخته شده است. رباعی اول کف بشقاب از «فضل‌الدین کاشانی» است که مضمونی انتقادی، اجتماعی دارد:

«ای دل ز طرب هیچ نشان می‌بینی وز دیده به جز گهر فشان می‌بینی
در آرزوی دمی خوشم تا که زیم مردم همه اینند که تو شان می‌بینی»
(همان، ۳۸).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد بیش‌ترین رباعیات منقوش بر سفالینه‌های اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری از «فضل‌الدین کاشانی» است که شاید سبب آن سکونت او در شهر کاشان بوده است.

رباعی دوم کف بشقاب رباعی دیگری از جمال‌الدین اشره‌ری است:

«ای دل ز طرب چرات بیگانگیست مردن ز غم عشق نه مردانگیست
با این هم صبر این چه رسوا شدن است کو آن همه عقل این چه دیوانگیست»
(همان، ۳۸).

روی لبه داخلی بشقاب نیز دو رباعی و تاریخ ساخت بشقاب آمده است:

«زان حین که با تو عارم آید گفتن
من روح گدازم و تو... عشوه‌دهی
آزرده چنانم که چه شاید گفتن
گر می‌رود از ماست باید گفتن

هر گریه که بر سر شتر می‌کردم
هر چاه که کاروان تهی کرد ز آب
در پای شتر ز دیده در می‌کردم
من باز به آب دیده پر می‌کردم»

(همان، ۳۸).

رباعی دوم از «مهستی» یکی از نام‌دارترین شاعران زن ایرانی است. اشعار وی به علت ابتکار در موضوعات از جمله وصف صاحبان پیشه‌های گوناگون و سرگرمی‌های مختلف مردم روزگار خویش نشان‌دهندهٔ اوضاع جامعهٔ خویش و پیشرو نوع خاصی از شعر است که بعدها «شهر آشوب» نام گرفت.

دو رباعی دیگر نیز بر لبه بیرونی ظرف نقش شده که هر دو مضمونی عاشقانه دارند:

«گیرم که صبا زلف تو در تاب کشد
زنگی بچه بر کنار گلزار تو کیست
لعل تو ز جام ار می ناب کشد
کز چاه زنخدان تو می آب کشد

عادت نبود مرا که از روی هوس
با این همه یک سخن بخواهم گفتن
درد دل خویشتن بگویم با کس
در عشق تو مرد[م] به فریادم رس»

(همان، ۳۸).

وجود شش رباعی تنها بر روی یک ظرف خود گواه حضور شعر در تمام ابعاد زندگی مردم در قرون ششم و هفتم هجری است.

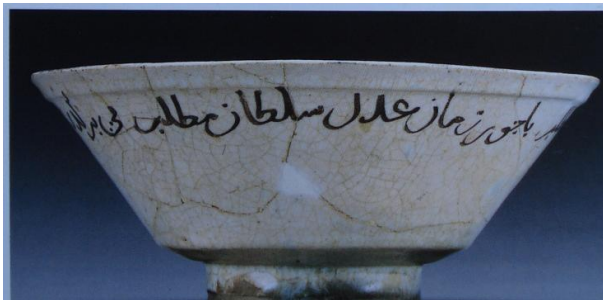


تصویر ۷. بشقاب زرین‌فام کاشان متعلق به سال ۴۰۴ ه‍.ق در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (مأخذ: Collection.vam.ac.uk).

لازم به ذکر است که هر چند اشعار فارسی معیار شناسایی ظروف زرین فام سبک کاشان اند، اما اشعار فارسی بر دیگر ظروف سفالین چون ظروف مشبک، نقاشی شده زیر لعاب، و مینایی نیز جا گرفته اند.

تصویر ۸ متعلق به کاسه‌ای مینایی از همان دوران است که منقوش به شعری از «ابوسعید ابی‌الخیر» عارف نامی قرن پنجم هجری است:

«با گردش چرخ کار یکسان مطلب با جور زمان عدل سلطان مطب
می بر گذری چو باد از عالم خاک آزار دل هیچ مسلمان مطلب»



تصویر ۸. کاسه مینایی کاشان در موزه ملی کویت (مأخذ: Watson, 2004: 369).

نتیجه

بررسی نمونه‌های ذکرشده نشان داد که در قرون ششم و هفتم هجری قمری حضور ادبیات فارسی در سطح اجتماع به حدی بوده است که سفالینه‌های این دوران به مثابه دفتری برای نگارش شعر بوده اند و نقش محوری و مهمی در جلوه بصری و زیبایی ظروف نیز داشته اند. این کتیبه‌ها در کنار سایر عناصر تزئینی، نه تنها در زیبایی بصری ظرف دخالت دارند، بلکه به لحاظ در بر داشتن معانی، «زیبایی معنوی» خلق کرده اند و از این طریق به عنوان یک اثر هنری والا، موجب پالایش روح کاربران نیز می‌شده اند. از این جهت به تعبیر «هگل»ی این ظروف صورت‌هایی هستند که «ایده متعالی» را عینیت بخشیده اند، و این امر از پرتو وجود اشعار عرفانی و متون پرمعنا و محتوا تحقق یافته است.

تنوع متون نگاشته شده بر این سفالینه‌ها از آیات و احادیث و ادعیه و روایات و داستان تا رباعی، غزل، قصیده، ملمع، و... نشانگر ذائقه ادبی متنوع و رواج شیوه‌های ادبی در آن دوران و خروج ادبیات از دربار و حضور فراگیر آن در سطح اجتماع است، که خود حاکی از ارتباط اندیشه فلاسفه و اندیشمندان و عرفا و شعرا با مردم است؛ به گونه‌ای که در زندگی روزمره، در هر روز و هر جا و مکانی این ارتباط وجود داشته است.

نکته دیگری که می‌توان از بررسی این سفالینه‌ها دریافت، پیشی گرفتن زبان فارسی بر زبان عربی و در مواردی حضور هر دو زبان بر ظروف بوده است. نگارش این کلمات فارسی و عربی با استفاده از هنر خوشنویسی اسلامی، به لحاظ زیبایی‌شناسی از تناسب خط با متن بهره‌مند شده است، که البته ترکیب متناسب آن با دیگر نقوش مندرج بر ظروف، بر این ارزش افزوده است. می‌توان گفت در قرون یادشده سفالگران تمامی امکانات هنری، از جمله ادبیات، تکنیک‌های مختلف سفال و لعاب، به‌خصوص زرین‌فام (به مثابه زمینه نوشتار) و خوشنویسی را به کار گرفته اند تا معانی بین مردم نفوذ کرده و رواج یابد.

دستاورد ویژه این بررسی، مقایسه تاریخ مندرج بر ظروف با تاریخ حیات سراینده اشعار منقوش بر ظرف است. به گواه تاریخ ثبت‌شده بر ظروف، می‌توان در انتساب برخی اشعار به شاعران تردید کرد؛ چنان که در مورد شعر ملمع منسوب به مولانا ملاحظه شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالله قوچانی پژوهشگر گران‌قدری است که از سال ۱۳۵۶ به بازخوانی کتیبه‌های منقوش بر سفالینه‌ها پرداخته و به حفظ میراث زبانی ایران کمک شایانی کرده است.
۲. نحوه ساخت بدنه «خمیر سنگی» و ساخت ظروف و لعاب‌های مختلف دوره سلجوقیان در رساله‌ی *عرایس الجواهر و نقایس الاطایب* به قلم ابوالقاسم بن علی بن محمد بن ابوطاهر، چهارمین نسل از خانواده مشهور سفالگر و کاشی‌ساز کاشان نوشته شده به سال ۷۰۰ق آمده است.
۳. لعاب مینایی نقاشی با رنگ‌های پلی کروممانند فیروزه‌ای، لاجوردی، قرمز تیره، سیاه، سفید (روی سیاه)، خاکستری مایل به سبز، و طلایی است که بر زمینه سفید مات یا فیروزه‌ای به کار می‌رفته است.
۴. تکنیک زرین‌فام ریشه در سفالگری سلسله فاطمیان در مصر داشته اما در ایران و در دوره سلجوقیان به نهایت کمال رسیده است. این لعاب جلوه فلزی خاص و تالوویی طلایی دارد.

5. The David Collection

6. Metropolitan Museum

۷. الیور واتسون سفالینه‌های زرین‌فام را با توجه به سبک نقوش به سه سبک درشت‌نقش، ریزنقش و کاشان تقسیم‌بندی کرده است که دو سبک اول متعلق به ری و سبک سوم متعلق به کاشان است.

8. Guest

9. Ettinghausen

10. Freer Gallery

۱۱. در گذشته نوعی صراحی که سری شبیه به سر جوجه خروس داشته را خروس می‌نامیدند. این شکل ریشه در ظروف نقره ساسانی و چینی‌های دوره تانگ و سونگ در چین داشته و دارای معنای نمادین است. این ظروف در بسیاری از اشعار فارسی کهن با همین نام خروس به کار رفته اند.

12. Victoria and Albert Museum

13. Raymond Ades Collection

کتابنامه

بازورث، کلیفورد ادموند و همکاران. (۱۳۹۰). *سلجوقیان*. ترجمه یعقوب آژند. چ ۲. تهران: مولى.
رجبی، محمدعلی و حسام‌الدین آرمان. (۱۳۹۰). «اسامی سفال‌های لعابی در اشعار فارسی». در *کتاب چهارم گنجینه فرهنگستان هنر*. چ ۱. ویراسته عباس رکنی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ص ۶۶-۶۷.

روحفر، زهره و جواد نیستانی. (۱۳۸۸). «طرح‌ها و نقش‌های قرون میانی اسلامی در سفال زرین‌فام کاشان». در *کتاب اول گنجینه فرهنگستان هنر*. چ ۱. ویراسته ناصر رحیمی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ص ۷۶-۸۴.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۷). *تاریخ علوم و ادبیات ایرانی*. چ ۱. تهران: ابن سینا.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۷). *تاریخ ادبیات در ایران*. چ ۲. ج ۸. تهران: فردوس.

- قائینی، فرزانه. (۱۳۸۰). *سفالینه‌های مینایی*. چ ۱. تهران: معاونت معرفی آموزش، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی (سازمان میراث فرهنگی).
- قائینی، فرزانه. (۱۳۸۳). *موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران*. چ ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۴). *کتیبه‌های سفال نیشابور*. چ ۱. تهران: موزه رضا عباسی.
- قوچانی، عبدالله. (بهار و تابستان ۱۳۶۶). «سفالینه‌های زرین‌فام و نقاشی شده زیر لعاب». در *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال اول، ش ۲، ص ۳۰-۴۱.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۷۱). *اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان*. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قوچانی، عبدالله. (مهر و آبان ۱۳۷۳). «سفالگران کاشان و شعر فارسی». در *مجله نشر دانش*، ش ۸۴، ص ۳۱-۴۰.
- کاتلی، مارگریتا و لوئی هامبی. (۱۳۷۶). *سلجوقیان*. ترجمه یعقوب آژند. چ ۱. تهران: مولی.
- گروبه، ارنست. ج. (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. ترجمه فرناز حایری. جلد هفتم مجموعه هنر اسلامی. چ ۱. تهران: کارنگ.
- نیک‌خواه، هانیه و محمد خزایی و غلامعلی حاتم و جواد نیستانی. (۱۳۹۰). «بازتاب شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی بر سفال‌های زرین‌فام دوره سلجوقیان، پیدایش طبقه متوسط و مردمی شدن هنر». در *مجله مطالعات تاریخی فرهنگی*. سال سوم، ش ۹، ص ۱۰۷-۱۲۵.
- واتسون، الیور. (۱۳۹۰). *سفال زرین‌فام ایرانی*. شکوه ذاکری. چ ۲. تهران: سروش.
- Watson, Oliver. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. First published. London (UK.): Thames and Hudson.
- Collection.vam.ac.uk
- www.asia.si.edu/collections
- www.davidmus.dk
- www.metmuseum.org

